

Disruption of the Food Production-to-Distribution Chain as an International Crime within the Framework of International Criminal Law

1. Samira Mehdizadeh: PhD Student, Department of Law, ST.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran
2. Fatemeh Fathpour*: Assistant Professor, Department of International Law, ST.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: ffathpour@iau.ac.ir (Corresponding Author)
3. Shirin Shirazian: Department of Environmental Management, SR.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran

ABSTRACT

Food security refers to the sustained and adequate access of all individuals to safe, nutritious, and acceptable food necessary for an active and healthy life. Food security is a fundamental human right and a vital component of preserving human dignity and social stability, and its deliberate disruption may have far-reaching consequences at both national and international levels. Given the complexities involved in food production, transportation, and distribution, as well as the threats arising from acts of sabotage, examining this issue within the framework of international criminal law appears essential. The principal research question is: “Can the deliberate disruption of the food production-to-distribution chain be regarded as an international crime, and what legal framework exists for identifying and prosecuting its perpetrators?” The main hypothesis of the study is that targeted and systematic acts aimed at disrupting the food supply chain, where they result in threats to public health, the creation of famine, or serious harm to the population, may satisfy the criteria of an international crime and should therefore be subject to prosecution under the jurisdiction of international courts and tribunals. The principal findings indicate that, first, existing legal gaps in international instruments, such as the Rome Statute and conventions related to food security, create difficulties in prosecuting such crimes; second, the adoption of a comprehensive and precise definition of a “crime against food security” could enhance clarity regarding international criminal responsibility; and third, international cooperation among judicial institutions, international organizations, and States is essential for preventing and combating such acts. This study employs a descriptive-analytical research method.

Keywords: *food production-to-distribution chain, food security, international criminal law, war crime, crime against humanity.*

How to cite: Mehdizadeh, S., Fathpour, F., & Shirazian, S. (2027). Disruption of the Food Production-to-Distribution Chain as an International Crime within the Framework of International Criminal Law. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 9(3), 1-17.

© 2027 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 06 April 2026
Revise Date: 23 August 2026
Accept Date: 29 August 2026
Initial Publish Date: 29 September 2026
Final Publish Date: 23 August 2027



اخلال در زنجیره تولید تا توزیع مواد غذایی به مثابه جنایت بین المللی در چارچوب حقوق بین الملل کیفری

۱. سمیرا مهدیزاده: دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۲. فاطمه فتح پور*: استادیار، گروه حقوق بین الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. پست الکترونیک: ffathpour@iaui.ac.ir (نویسنده مسئول)
۳. شیرین شیرازیان: گروه مدیریت محیط زیست، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

امنیت غذایی یعنی دسترسی پایدار و کافی همه افراد به غذای سالم، مغذی و قابل قبول برای داشتن زندگی فعال و سالم امنیت غذایی یکی از حقوق بنیادین بشر و عنصر حیاتی در حفظ کرامت انسانی و ثبات اجتماعی است و اخلال عمدی در آن می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای در سطح ملی و بین‌المللی داشته باشد. با توجه به پیچیدگی‌های تولید، حمل و توزیع مواد غذایی، و تهدیدات ناشی از اقدامات خرابکارانه، بررسی این موضوع در بستر حقوق بین‌الملل کیفری ضروری به نظر می‌رسد. سوال اصلی پژوهش این است: «آیا اخلال عمدی در زنجیره تولید تا توزیع مواد غذایی می‌تواند به عنوان جنایت بین‌المللی تلقی شود و چه چارچوب حقوقی برای شناسایی و تعقیب مرتکبان آن وجود دارد؟» فرضیه اصلی پژوهش بر این پایه است که اقدامات هدفمند و سیستماتیک در اخلال زنجیره غذایی، در صورتی که منجر به تهدید سلامت عمومی، ایجاد فحطی یا صدمه جدی به جمعیت شود، واجد معیارهای جنایت بین‌المللی بوده و باید تحت صلاحیت محاکم بین‌المللی قابل پیگرد باشد. یافته‌های اصلی پژوهش نشان می‌دهد که: اول، خلأهای قانونی موجود در اسناد بین‌المللی مانند اساسنامه روم و کنوانسیون‌های مرتبط با امنیت غذایی، سبب دشواری در تعقیب این جرایم می‌شود؛ دوم، تعریف جامع و روشن «جنایت علیه امنیت غذایی» می‌تواند موجب شفافیت در مسئولیت کیفری بین‌المللی شود؛ سوم، همکاری بین‌المللی میان نهادهای قضایی، سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌ها برای پیشگیری و مقابله با این اقدامات ضروری است. روش پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است.

واژگان کلیدی: زنجیره تولید تا توزیع مواد غذایی، امنیت غذایی، حقوق بین‌الملل کیفری، جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت.

نحوه استناددهی: مهدیزاده، سمیرا، فتح پور، فاطمه، و شیرازیان، شیرین. (۱۴۰۶). اخلال در زنجیره تولید تا توزیع مواد غذایی به مثابه جنایت بین المللی در چارچوب حقوق بین الملل کیفری. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۹ (۳)، ۱۷-۱.

© ۱۴۰۶ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱۷ فروردین ۱۴۰۵

تاریخ بازنگری: ۱ شهریور ۱۴۰۵

تاریخ پذیرش: ۷ شهریور ۱۴۰۵

تاریخ چاپ اولیه: ۷ مهر ۱۴۰۵

تاریخ چاپ نهایی: ۱ شهریور ۱۴۰۶

زنجیره تولید تا توزیع مواد غذایی، همچون شاه‌رگ حیاتی جوامع بشری، نقشی اساسی در تأمین امنیت غذایی ایفا می‌کند. این زنجیره که از کاشت بذر در مزرعه تا رسیدن غذا به دست مصرف‌کننده را در بر می‌گیرد، پایه‌ای برای سلامت و رفاه انسان‌هاست. تخریب زیرساخت‌های کشاورزی، جلوگیری از دسترسی به کمک‌های بشردوستانه و به قحطی کشاندن جمعیت به‌عنوان سلاح جنگی، نه‌تنها نقض آشکار قواعد بین‌المللی است، بلکه تأثیرات انسانی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی گسترده‌ای به دنبال دارد. این اقدامات می‌توانند به گرسنگی و سوءتغذیه گسترده، شیوع بیماری‌ها، مهاجرت اجباری و فروپاشی اجتماعی و اقتصادی منجر شوند و نظم و ثبات سیاسی جوامع را به مخاطره بیندازند. در چارچوب حقوق بین‌الملل کیفری، اساسنامه رم و کنوانسیون‌های ژنو به‌صراحت استفاده از گرسنگی به‌عنوان سلاح و تخریب زیرساخت‌های حیاتی را به‌عنوان جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت محکوم کرده‌اند. با این حال، شناسایی و اثبات این جرایم با چالش‌های بسیاری روبه‌روست، از جمله جمع‌آوری شواهد معتبر، تشخیص نیت عاملان، تفسیر پیچیده قواعد و مقررات و ضرورت همکاری‌های گسترده بین‌المللی. زنجیره تولید تا توزیع مواد غذایی شامل مجموعه‌ای از مراحل متوالی و پیچیده است که از تولید اولیه محصولات کشاورزی و دامپروری آغاز شده و با فرآوری، بسته‌بندی، حمل‌ونقل، توزیع و نهایتاً عرضه به مصرف‌کننده نهایی تکمیل می‌شود. هر مرحله از این زنجیره دارای ویژگی‌ها و حساسیت‌های خاص خود است و اختلال در هر یک از این مراحل می‌تواند کل سیستم تأمین غذا را با چالش جدی مواجه سازد. تولید مواد غذایی شامل عملیات کشاورزی، دامپروری و شیلاتی است که نیازمند منابع طبیعی، نیروی انسانی ماهر، تجهیزات فنی و مدیریت صحیح می‌باشد. مرحله بعدی، فرآوری و بسته‌بندی است که نه‌تنها به‌منظور افزایش ماندگاری و کیفیت محصولات انجام می‌شود، بلکه نقش حیاتی در جلوگیری از آلودگی و حفظ استانداردهای بهداشتی دارد. حمل‌ونقل و توزیع نیز بخش حساس دیگری از زنجیره است که با مشکلات زیرساختی، مخاطرات طبیعی و انسانی و پیچیدگی‌های لجستیکی مواجه است و هرگونه اختلال در آن می‌تواند منجر به کمبود عرضه، افزایش قیمت‌ها و مخاطرات بهداشتی شود. با توجه به اهمیت زنجیره غذایی در تأمین امنیت و رفاه جامعه، هرگونه اقدام عمدی یا سازمان‌یافته که منجر به اختلال در تولید، فرآوری، حمل‌ونقل یا توزیع غذا شود، پیامدهایی فراتر از سطح ملی خواهد داشت و می‌تواند امنیت غذایی جمعیت‌های گسترده را تهدید کند. از این رو، موضوع اختلال در زنجیره غذایی، علاوه بر جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی، یک موضوع حیاتی در حوزه حقوق بین‌الملل کیفری نیز محسوب می‌شود. بررسی این مسئله نیازمند شناسایی عوامل آسیب‌زا، تحلیل پیامدهای اجتماعی و اقتصادی آن و ارائه چارچوب قانونی و قضایی برای پیشگیری و مقابله است. در این راستا، حقوق بین‌الملل کیفری می‌تواند با تعریف معیارهای مشخص برای تعیین مصادیق جنایت علیه امنیت غذایی و ایجاد سازوکارهای بین‌المللی برای تعقیب مرتکبان، نقش مهمی در حفاظت از زنجیره غذایی ایفا نماید.

در گام نخست، باید مشخص شود که هر یک از مصادیق اختلال در زنجیره تولید تا توزیع مواد غذایی چگونه می‌تواند واجد شرایط جنایت بین‌المللی باشد. به‌طور مثال، اقدامات عمدی که منجر به ایجاد کمبود شدید، قحطی یا تهدید سلامت جمعیت‌های گسترده شود، از منظر حقوق بین‌الملل کیفری می‌تواند مصادیق جنایت علیه بشریت یا جنایت جنگی تلقی گردد، زیرا موجب صدمه جدی به حقوق بنیادین انسان‌ها می‌شود. همین‌طور خرابکاری در تأسیسات تولید، حمل‌ونقل یا انبارهای مواد غذایی، در صورتی که به‌صورت سازمان‌یافته و گسترده انجام شود، می‌تواند عنصر عمد و نتیجه را برای شمولیت تحت صلاحیت محاکم بین‌المللی فراهم آورد. با این حال، اثبات چنین جرایمی با چالش‌ها و موانع متعددی روبه‌رو است؛ از جمله دشواری در تشخیص قصد مجرمانه، تعیین گستره اثرگذاری اقدامات، جمع‌آوری شواهد معتبر در

سطح بین المللی و مواجهه با اختلاف نظرهای حقوقی در تفسیر معیارهای جنایت بین المللی. علاوه بر این، محدودیت های موجود در اسناد بین المللی و نبود تعریف روشن از «جنایت علیه امنیت غذایی» موجب پیچیدگی های قضایی می شود و همکاری میان دولت ها و نهادهای بین المللی را برای شناسایی و تعقیب مرتکبان ضروری می سازد. این مقاله به بررسی جامع ابعاد مختلف اخلال در زنجیره تولید تا توزیع مواد غذایی به عنوان جنایت بین المللی می پردازد و به واکاوی چالش ها و موانع پیش رو در شناسایی و اثبات این جرایم خواهد نشست. با تحلیل وضعیت های تاریخی و معاصر، همچون محاصره لنینگراد، جنگ داخلی سودان، بحران های یمن و غزه، تلاش می شود تا الگوهای مشترک این جنایات روشن شود. سؤال اصلی پژوهش این است که «آیا اخلال عمدی در زنجیره تولید تا توزیع مواد غذایی می تواند به عنوان جنایت بین المللی شناخته شود و چه چارچوب حقوقی برای شناسایی و تعقیب مرتکبان آن وجود دارد؟» برای پاسخ به این سؤال، پژوهش در سه بخش اصلی سازماندهی شده است: نخست، تحلیل مفهومی و تبیین مصادیق اخلال در زنجیره غذایی و بررسی شاخص های شمول آن تحت معیارهای جنایت بین المللی؛ دوم، بررسی اسناد، معاهدات و رویه های بین المللی مرتبط با امنیت غذایی و مسئولیت کیفری بین المللی؛ و سوم، شناسایی چالش ها و موانع موجود در اثبات و تعقیب این جرایم، همراه با ارائه پیشنهادهایی برای تقویت سازوکارهای قضایی و بین المللی.

۱. مفهوم و اهمیت زنجیره تولید تا توزیع مواد غذایی

زنجیره تولید تا توزیع مواد غذایی به معنای مجموعه ای از مراحل پیوسته است که از تولید اولیه مواد غذایی آغاز می شود و با بسته بندی، نگهداری، حمل و نقل، فرآوری، عرضه و در نهایت دسترسی مصرف کننده به محصول پایان می یابد. این مفهوم اهمیت بالایی دارد، زیرا کیفیت، ایمنی، قیمت و دسترسی پذیری غذا را مستقیماً تحت تأثیر قرار می دهد و هرگونه اختلال در هر بخش آن می تواند امنیت غذایی جامعه را تهدید کند.

در ادامه، برای ارتباط با عنوان بعدی، لازم است اشاره شود که فهم دقیق این زنجیره زمانی معنا پیدا می کند که نقش و جایگاه هر یک از بخش های آن در تأمین پایدار غذای سالم روشن شود.

تعریف زنجیره تولید تا توزیع مواد غذایی

زنجیره تولید تا توزیع مواد غذایی شامل مجموعه ای از فعالیت ها و فرآیندهاست که از کاشت و برداشت مواد اولیه در مزرعه آغاز می شود و تا فرآوری، بسته بندی، حمل و نقل، ذخیره سازی و رسیدن محصول نهایی به دست مصرف کننده ادامه می یابد. این زنجیره به عنوان ستون فقرات سیستم های غذایی، نقشی حیاتی در تأمین غذای سالم و کافی برای جمعیت جهانی دارد. (Tayebi et al., 2024)

۲. اهمیت زنجیره تولید تا توزیع مواد غذایی

زنجیره تولید تا توزیع مواد غذایی به مجموعه فرآیندهای پیوسته ای گفته می شود که از مرحله تأمین نهاده ها و تولید مواد خام غذایی آغاز شده و تا فرآوری، بسته بندی، انبارداری، حمل و نقل، توزیع و نهایتاً دسترسی مصرف کننده به غذای سالم و ایمن ادامه می یابد. از آنجا که کارآمدی این زنجیره به طور مستقیم بر سلامت، کیفیت و دسترسی پایدار جامعه به غذا اثر می گذارد، ارتباط آن با امنیت غذایی در مطالعات مختلف برجسته شده است؛ به همین دلیل، پیش از پرداختن به اهمیت این زنجیره، لازم است جایگاه امنیت غذایی روشن گردد.

جایگاه امنیت غذایی

زنجیره تولید تا توزیع مواد غذایی ارتباط مستقیمی با امنیت غذایی [Food Security] دارد، که به معنای دسترسی همه مردم به غذای کافی، سالم و مغذی برای زندگی فعال و سالم است. هرگونه اختلال یا ناکارآمدی در این زنجیره، از جمله کمبود منابع، مشکلات زیرساختی، فساد،

بلائیای طبیعی یا موانع اقتصادی و سیاسی، می‌تواند منجر به کمبود غذا، افزایش قیمت‌ها و بروز ناآرامی‌های اجتماعی شود. (Tayebi et al., 2024). بنابراین، مدیریت کارآمد این زنجیره برای پیشگیری و مقابله با هرگونه مشکلات و موانعی که ممکن است جریان تولید و توزیع مواد غذایی را مختل کند، ضروری است. (World Health Organization, 2019) امنیت غذایی یکی از بنیادی‌ترین حقوق بشر و ستون ثبات اجتماعی و اقتصادی جوامع است و به معنای دسترسی پایدار همه افراد به غذای کافی، سالم و مغذی برای حفظ سلامت و زندگی کرامت‌مندانه است.

جایگاه امنیت غذایی فراتر از تأمین نیازهای تغذیه‌ای است و به توسعه پایدار، سلامت عمومی، کاهش فقر و افزایش توانمندی‌های انسانی گره خورده است. هرگونه اختلال یا تهدید در امنیت غذایی می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای در سطح ملی و بین‌المللی به همراه داشته باشد. به‌طور مثال، کمبود مواد غذایی یا ناپایداری عرضه می‌تواند منجر به قحطی، سوءتغذیه، افزایش بیماری‌ها، بی‌ثباتی اجتماعی و اعتراضات مردمی شود و فشار اقتصادی بر دولت‌ها و خانوارها را افزایش دهد. در سطح بین‌المللی، تهدید امنیت غذایی می‌تواند تنش‌های سیاسی و اقتصادی بین کشورها را تشدید کند و به بحران‌های انسانی و مهاجرت‌های گسترده منجر شود. علاوه بر این، وابستگی بسیاری از جوامع به زنجیره‌های بین‌المللی تولید و توزیع غذا، آسیب‌پذیری آن‌ها در برابر خرابکاری، جنگ، تغییرات اقلیمی یا بیماری‌های گیاهی و دامی را افزایش می‌دهد. بنابراین، حفاظت از امنیت غذایی نه‌تنها یک ضرورت ملی، بلکه یک مسئولیت بین‌المللی است و هرگونه اختلال عمدی در آن می‌تواند با معیارهای حقوق بین‌الملل کیفری مرتبط شود (Arik-Adkanian & Khosravi, 2018).

حفظ سلامت و بهداشت عمومی

حفظ سلامت و بهداشت عمومی از جمله اهداف اصلی امنیت غذایی است، زیرا دسترسی به غذای سالم و مغذی نقش مستقیم در پیشگیری از بیماری‌ها و ارتقای سطح سلامت جامعه دارد. هرگونه اختلال در زنجیره تولید، فرآوری یا توزیع مواد غذایی می‌تواند منجر به آلودگی، مسمومیت یا شیوع بیماری‌های واگیر شود و سلامت جمعیت را به خطر بیندازد. همچنین، رعایت استانداردهای بهداشتی در تمام مراحل زنجیره غذایی، تضمین‌کننده کیفیت محصول و کاهش مخاطرات سلامت عمومی است. بنابراین، حفاظت از سلامت عمومی نیازمند نظارت دقیق، سیاست‌گذاری منسجم و همکاری بین‌المللی برای پیشگیری از تهدیدات غذایی است. این امر نشان می‌دهد که هرگونه اختلال عمدی در مواد غذایی نه‌تنها پیامد اقتصادی دارد، بلکه می‌تواند جرم علیه سلامت و زندگی انسان‌ها محسوب شود (Esfandiyari & Mirabbasi, 2014). کیفیت و ایمنی مواد غذایی در طول زنجیره تولید تا توزیع باید حفظ شود تا از بروز بیماری‌های ناشی از مصرف غذای آلوده جلوگیری شود. سازمان بهداشت جهانی [World Health Organization (WHO)] تأکید می‌کند که کنترل کیفیت در تمامی مراحل زنجیره غذایی برای جلوگیری از شیوع بیماری‌های مرتبط با غذا حیاتی است. (World Health Organization, 2019)

اشتغال‌زایی و رونق اقتصادی

زنجیره تولید تا توزیع مواد غذایی به‌عنوان یکی از بخش‌های کلیدی اقتصاد، فرصت‌های شغلی بسیاری ایجاد می‌کند. این زنجیره شامل تولیدکنندگان، توزیع‌کنندگان، فروشگاه‌ها و سایر عوامل است که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در ایجاد اشتغال و تقویت اقتصادی مشارکت دارند. در بسیاری از کشورها، کشاورزی و صنایع غذایی از مهم‌ترین منابع درآمد و اشتغال هستند و نقش قابل توجهی در توسعه اقتصادی و کاهش فقر ایفا می‌کنند. (Ziegler, 2013)

پایداری محیط زیست

این زنجیره تأثیرات قابل توجهی بر محیط زیست دارد. انتخاب روش های تولید پایدار، بسته بندی سازگار با محیط زیست و مدیریت بهینه پسماندها می تواند به کاهش تأثیرات منفی بر محیط زیست و حفظ منابع طبیعی کمک کند. مدیریت صحیح این زنجیره می تواند به کاهش هدررفت مواد غذایی و استفاده بهتر از منابع طبیعی منجر شود. (Tayebi et al., 2024)

۳. امکان سنجی اخلال عمدی در زنجیره تولید تا توزیع مواد غذایی به عنوان جنایت جنگی

اخلال عمدی در زنجیره تولید تا توزیع مواد غذایی، چه در دوران جنگ و چه در زمان صلح، می تواند تبعات فاجعه باری برای جوامع انسانی به همراه داشته باشد. در شرایط درگیری های مسلحانه، چنین اقداماتی اغلب به عنوان یکی از شدیدترین مصادیق جنایت جنگی تلقی می شود و ممکن است منجر به گرسنگی گسترده و مرگ غیرنظامیان شود. طبق گزارش سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد [FAO]، تخریب زیرساخت های کشاورزی و ممانعت از دسترسی به منابع غذایی در زمان جنگ به طور مستقیم باعث بحران های انسانی و مهاجرت های گسترده می شود (Esfandiyari & Mirabbasi, 2014). در این راستا، حقوق بین الملل بشردوستانه، از جمله کنوانسیون های ژنو و سایر اسناد حقوقی بین المللی، چنین اقدامات عمدی را به عنوان نقض جدی اصول بنیادین بشردوستی در نظر می گیرند (Esfandiyari & Mirabbasi, 2014).

نمونه های تاریخی، مانند محاصره لنینگراد در جنگ جهانی دوم و تحریم های اقتصادی علیه کشورهای در حال توسعه، نشان داده اند که اخلال در زنجیره غذایی، چه در شرایط جنگ و چه در زمان صلح، موجب عواقب جبران ناپذیری برای سلامت عمومی و ثبات اجتماعی شده است (Zakerian, 2013).

۴. ابعاد حقوقی اخلال در زنجیره تولید تا توزیع مواد غذایی: تحلیل عناصر قانونی، مادی و معنوی جنایت جنگی

برای اثبات جنایت جنگی بودن اخلال عمدی در زنجیره تولید تا توزیع مواد غذایی، ضروری است که سه عنصر اصلی قانونی، معنوی و مادی به طور همزمان مورد بررسی قرار گیرند. عنصر قانونی مستلزم آن است که اقدام مرتکب در چارچوب حقوق بین الملل کیفری شناخته شده باشد و مطابق ماده ۸ اساسنامه رم، اقدامات عمدی که منجر به آسیب جدی به غیرنظامیان یا تخریب منابع حیاتی آن ها در جریان نزاع مسلحانه شود، از مصادیق جنایت جنگی تلقی می گردد. این ماده به طور ویژه به اقدامات علیه منابع حیاتی غیرنظامیان مانند آب، غذا و دارو اشاره دارد و نشان می دهد که هرگونه اخلال عمدی در تأمین غذای جمعیت غیرنظامی می تواند شمول معیارهای جنایت جنگی را داشته باشد. (Molaverdi, 2016) عنصر معنوی یا روانی به قصد و آگاهی مرتکب مربوط می شود. یعنی فرد باید بداند که اقدامش موجب تهدید سلامت، قحطی یا کمبود شدید غذا خواهد شد و این پیامد را عمداً دنبال کند. بدون عنصر قصد، تنها آسیب ناشی از بی توجهی یا سهل انگاری، مصداق جنایت جنگی محسوب نمی شود. در این زمینه، رویه های قضایی بین المللی نشان داده اند که تعیین قصد عمدی اهمیت فراوانی دارد؛ برای مثال، در پرونده های مربوط به جنایات علیه بشریت و جنگی در یوگسلاوی سابق، دادگاه ها بر لزوم اثبات آگاهی و قصد متهم تأکید داشته اند (Tayebi et al., 2024). عنصر مادی یا فعل، شامل اقدام ملموس و قابل شناسایی است که منجر به اخلال در زنجیره غذایی می شود. این اقدام می تواند تخریب عمدی مزارع، انبارهای ذخیره، تأسیسات فرآوری، شبکه های حمل و نقل یا ایجاد مانع در توزیع غذا باشد. این اقدامات باید اثبات شوند و رابطه مستقیم با پیامدهای تهدیدکننده غیرنظامیان داشته باشند (Ghari Seyed Fatemi, 2010). علاوه بر

سه عنصر فوق، وقوع وضعیت جنگی یا نزاع مسلحانه شرط ضروری است. اقدامات مرتکب باید در بستر درگیری‌های بین‌المللی یا داخلی انجام شود تا شمول جنایت جنگی تأیید گردد.

به عبارت دیگر، حتی اگر تمامی عناصر قانونی، معنوی و مادی موجود باشد، در غیاب وضعیت جنگی، اقدام اخلاک‌گرانه نمی‌تواند جنایت جنگی محسوب شود، هرچند ممکن است تحت سایر شاخه‌های حقوق کیفری بین‌المللی مورد بررسی قرار گیرد. در مجموع، برای اثبات جنایت جنگی بودن اخلاط عمدی در زنجیره غذایی، لازم است: (۱) اقدام مطابق ماده ۸ اساسنامه رم باشد، (۲) قصد عمدی مرتکب قابل اثبات باشد، (۳) فعل ملموس و اثرگذار بر غیرنظامیان وجود داشته باشد و (۴) وقوع وضعیت جنگی محقق شده باشد. رعایت همزمان این عناصر، پایه‌ای برای صلاحیت محاکم بین‌المللی در تعقیب و صدور حکم علیه مرتکبان چنین جرایمی ایجاد می‌کند. تحلیل تطبیقی پرونده‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که فقدان هر یک از این عناصر، اثبات جنایت جنگی را با چالش مواجه می‌کند و ضرورت توسعه تعاریف قانونی و رویه قضایی در حوزه امنیت غذایی را پررنگ می‌سازد.

۵. تحلیل اخلاط عمدی در زنجیره تولید و توزیع مواد غذایی در پرتو پرونده‌های مطرح در دیوان بین‌المللی کیفری

برخی پرونده‌های دیوان بین‌المللی کیفری به ابعاد مختلفی از اخلاط عمدی در زنجیره تولید و توزیع مواد غذایی ارتباط دارند. در این پرونده‌ها، استفاده از گرسنگی به‌عنوان سلاح جنگی، تخریب عمدی زیرساخت‌های کشاورزی و ممانعت از ورود کمک‌های بشردوستانه به‌عنوان ابزارهایی برای تحت فشار قرار دادن غیرنظامیان مورد استفاده قرار گرفته‌اند. این نوع اقدامات، نه‌تنها از نظر حقوق بشردوستانه محکوم هستند، بلکه موجب رنج و نابودی گسترده جمعیت‌های غیرنظامی می‌شوند.

پرونده عمر البشیر - سودان (دارفور) (Zamani, 2008)

پرونده عمر البشیر در دیوان بین‌المللی کیفری، یکی از برجسته‌ترین و پیچیده‌ترین پرونده‌ها در زمینه بررسی جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت است که به درگیری‌های داخلی سودان در منطقه دارفور مربوط می‌شود. یکی از ابعاد مهم این پرونده، اخلاط عمدی در زنجیره تولید تا توزیع مواد غذایی و تأثیرات ویرانگر آن بر جمعیت غیرنظامی بود. نیروهای دولتی سودان و شبه‌نظامیان موسوم به «جنگوید»، با برنامه‌ریزی دقیق و اقدامات سیستماتیک، مزارع، چاه‌های آب و انبارهای غذایی را تخریب کردند. این نابودی گسترده منابع کشاورزی منجر به کاهش شدید تولیدات غذایی و بحران گسترده غذایی در دارفور شد. محاصره‌های اعمال‌شده در برخی مناطق مانع ورود کمک‌های بشردوستانه و تأمین غذای غیرنظامیان شد و در نتیجه، گرسنگی و سوءتغذیه در میان کودکان، سالمندان و گروه‌های آسیب‌پذیر افزایش یافت (Zamani, 2008).

کیفرخواست صادره علیه عمر البشیر، رئیس‌جمهور وقت سودان، شامل اتهامات متعدد جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی بود که یکی از آن‌ها استفاده عمدی از کمبود مواد غذایی به‌عنوان ابزاری برای تضعیف غیرنظامیان و ایجاد فشار روانی و فیزیکی بر جمعیت غیرنظامی محسوب می‌شد. دیوان بین‌المللی کیفری در کیفرخواست خود، اقدامات عمر البشیر و همدستانش را مصداق نقض قوانین انسانی بین‌المللی و ماده ۸ اساسنامه رم دانست، زیرا تخریب عمدی منابع حیاتی غیرنظامیان، محرومیت از غذا و کمک‌های بشردوستانه و ایجاد شرایط قحطی سیستماتیک، همگی عناصر قانونی، معنوی و مادی جنایت جنگی را محقق ساخته بود. پرونده دارفور، نمونه بارزی از کاربرد مواد غذایی به‌عنوان ابزار جنگ و ضرورت تقویت حفاظت بین‌المللی از امنیت غذایی غیرنظامیان در نزاع‌های مسلحانه را نشان می‌دهد. (Zamani, 2008) ماده ۸ اساسنامه رم به‌وضوح «محروم کردن عمدی غیرنظامیان از مواد غذایی یا دیگر اشیاء ضروری برای بقا به‌عنوان یک روش

جنگی» را جنایت جنگی می داند. اقدامات صورت گرفته توسط نیروهای دولتی سودان و شبه نظامیان جنجود، که عمداً مانع دسترسی غیرنظامیان به منابع غذایی شدند، به طور مستقیم با این ماده مطابقت دارند. به علاوه، تخریب زیرساخت های کشاورزی و منابع آبی از سوی این نیروها، نه تنها به نابودی فوری منابع غذایی منجر شد، بلکه بحران طولانی مدت در تولید و توزیع مواد غذایی در این منطقه ایجاد کرد (Zamani, 2008).

پرونده جمهوری دموکراتیک کنگو: توماس لوبانگا (Mirmohammadsadeghi & Rasoul, 2012)

توماس لوبانگا، رهبر یکی از گروه های شورشی فعال در جمهوری دموکراتیک کنگو، به مجموعه ای از جنایت های جنگی متهم شد که شامل استفاده از کودکان سرباز و ایجاد اخلال در زنجیره تولید مواد غذایی بود. نیروهای تحت فرماندهی او به طور عمدی مزارع کشاورزی را تخریب کرده و دسترسی مردم محلی به منابع غذایی را مسدود کردند. این اقدامات به قحطی و سوء تغذیه گسترده در مناطقی که تحت کنترل نیروهای او قرار داشت، منجر شد. بررسی عملکرد لوبانگا نشان می دهد که اقدامات او نه تنها موجب تخریب زیرساخت های اساسی زندگی مردم، بلکه به گسترش فقر و ناتوانی در تأمین نیازهای اولیه آن ها انجامید. مزارع نابود شده، که منبع اصلی غذا و معیشت بودند، به عمد توسط نیروهایش تخریب شدند تا از مقاومت مردم جلوگیری و شرایط را برای تضعیف آنان فراهم کنند (Mirmohammadsadeghi & Rasoul, 2012). تحت اساسنامه رم دیوان بین المللی کیفری، چندین ماده بر اعمال انجام شده توسط لوبانگا منطبق است.

از جمله ماده ۷(۱)(ک) که به جنایت علیه بشریت و تبعید اجباری افراد اشاره دارد، و ماده ۸ که محروم کردن عمدی مردم از منابع حیاتی مانند مواد غذایی را به عنوان جنایت جنگی تعریف می کند. همچنین، ماده ۸ به حملات عمدی علیه اهداف غیرنظامی، از جمله مزارع و زیرساخت های غذایی، اشاره دارد. در نهایت، دیوان بین المللی کیفری در تاریخ ۱۴ مارس ۲۰۱۲، توماس لوبانگا را به جرم استفاده از کودکان سرباز محکوم و به ۱۴ سال حبس محکوم کرد. با این حال، اگرچه اتهامات مربوط به اخلال در زنجیره تولید مواد غذایی مستقیماً در حکم نهایی ذکر نشد، اما بررسی های مرتبط با پرونده نشان داد که این اقدامات به وضوح نقض حقوق بین الملل بشردوستانه بوده و نتایج آن، از جمله قحطی و محرومیت گسترده در میان غیرنظامیان، از مهم ترین جنبه های پرونده بود. این پرونده نشان می دهد که چگونه اخلال در زنجیره تولید و توزیع مواد غذایی می تواند یکی از ابزارهای جنگی برای کنترل و تضعیف مقاومت غیرنظامیان باشد، حتی اگر این جنایات به طور رسمی در احکام نهایی ذکر نشده باشند (Zamani, 2008).

پرونده ژان-پیر بمبا گومبو: جمهوری آفریقای مرکزی (Molaverdi, 2016)

جمهوری آفریقای مرکزی [Central African Republic] یکی از کشورهای بحران زده در آفریقا است که درگیری های داخلی شدید و جنایات جنگی گسترده ای را تجربه کرده است. یکی از جنبه های مهم این درگیری ها، اخلال در زنجیره تولید تا توزیع مواد غذایی است که تأثیرات مخربی بر امنیت غذایی و وضعیت انسانی جمعیت غیرنظامی داشته است. نیروهای شبه نظامی و گروه های مسلح مختلف در جمهوری آفریقای مرکزی به طور سیستماتیک به تخریب مزارع، چاه های آب و انبارهای غذایی پرداخته اند. این اقدامات باعث کاهش شدید تولیدات کشاورزی و بروز بحران غذایی شد و همچنین گروه های مسلح با کنترل و محاصره مناطق مختلف، مانع از ورود کمک های بشردوستانه و مواد غذایی به مناطق غیرنظامی شده اند. این محدودیت ها منجر به گرسنگی و سوء تغذیه گسترده در میان جمعیت غیرنظامی شد، تخریب مزارع و منابع غذایی باعث جابه جایی اجباری هزاران نفر از مردم جمهوری آفریقای مرکزی شد که این افراد به کمپ های پناهندگان داخلی منتقل شده اند، جایی که دسترسی به غذا و منابع ضروری بسیار محدود است (Mirmohammadsadeghi & Rasoul, 2012). ژان-پیر

بمبا گومبو [Jean-Pierre Bemba Gombo] یکی از رهبران نظامی و سیاسی برجسته در جمهوری دموکراتیک کنگو، به دلیل جنایات گسترده‌ای که توسط نیروهای تحت فرماندهی او در جمهوری آفریقای مرکزی در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ رخ داده، به دادگاه دیوان بین‌المللی کیفری کشانده شد. نیروهای تحت رهبری بمبا به جنایاتی نظیر قتل، تجاوز جنسی، غارت و تخریب زیرساخت‌های حیاتی مانند مزارع و انبارهای غذایی متهم شدند. این اقدامات به شکل سیستماتیک زنجیره تولید و توزیع مواد غذایی را در مناطق جنگ‌زده مختل کرد و در نتیجه، گرسنگی و سوءتغذیه گسترده‌ای در میان جمعیت غیرنظامی پدید آمد (Mirmohammadsadeghi & Rasoul, 2012). همچنین، حملات مکرر به مزارع و زیرساخت‌های کشاورزی به‌عنوان بخشی از استراتژی نظامی، در تطابق با ماده ۸ اساسنامه رم، به‌عنوان نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه شناخته می‌شود. در این پرونده، دیوان بین‌المللی کیفری به بررسی نقش ژان-پیر بمبا به‌عنوان فرمانده نظامی پرداخت و در سال ۲۰۱۶، او را به ۱۸ سال زندان محکوم کرد. اما در سال ۲۰۱۸، این حکم لغو شد و بمبا از بسیاری از اتهامات تبرئه شد، که باعث جنجال‌های بسیاری در سطح بین‌المللی گردید (Salimi, 2021).

۶. راهکارهای تقویت تعقیب و پیگرد جنایت‌های منجر به اخلاف در زنجیره تولید و توزیع مواد غذایی در حقوق بین‌الملل کیفری

اخلال عمدی در زنجیره تولید تا توزیع مواد غذایی در شرایط جنگی، به‌عنوان یکی از جدی‌ترین جنایات بین‌المللی شناخته شده است. برای مقابله با این نوع جنایات و جلوگیری از پیامدهای انسانی و حقوقی فاجعه‌بار آن، تدابیر حقوقی مؤثری باید در سطح بین‌المللی و ملی به کار گرفته شود. در این بخش به بررسی این تدابیر حقوقی و ارائه راهکارهای پیشنهادی برای تقویت پیگیری جنایت‌هایی که منجر به اخلاف در زنجیره تولید و توزیع مواد غذایی می‌شوند، می‌پردازیم.

چالش‌ها و موانع اخلاف در زنجیره تولید و توزیع مواد غذایی

مشکلات شناسایی و اثبات جرم

شناسایی و اثبات جرم اخلاف در زنجیره تولید و توزیع مواد غذایی در بسیاری از موارد با دشواری‌های زیادی همراه است. از جمله مشکلات کلیدی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

جمع‌آوری شواهد مادی

یکی از اصلی‌ترین مشکلات در پیگرد جنایت‌هایی که منجر به اخلاف در زنجیره تولید و توزیع مواد غذایی می‌شوند، جمع‌آوری شواهد مادی و فیزیکی است. در مناطق جنگ‌زده یا درگیری‌های مسلحانه، دسترسی به محل وقوع جرم بسیار دشوار بوده و اغلب با موانع امنیتی، تخریب گسترده و فقدان زیرساخت‌های لازم مواجه است. به‌عنوان مثال، در پرونده‌های مربوط به جنگ بوسنی، بسیاری از شواهد فیزیکی از بین رفته یا آسیب جدی دیده بودند و این امر روند تحقیقات و اثبات جرایم را با چالش مواجه ساخت. علاوه بر این، مدارک مربوط به تخریب مزارع، انبارها، شبکه‌های حمل‌ونقل و سایر زیرساخت‌های حیاتی ممکن است به‌راحتی با دلایل غیرعمدی مانند بلایای طبیعی، خشکسالی، سیل یا سهل‌انگاری مدیریتی اشتباه گرفته شوند.

چنین شرایطی پیچیدگی اثبات عمدی بودن اقدامات مرتکبان را افزایش می‌دهد و نیازمند روش‌های دقیق جمع‌آوری شواهد، استفاده از فناوری‌های نوین برای ثبت و تحلیل داده‌ها و همکاری نزدیک میان نهادهای بین‌المللی و محلی است. همچنین، تدوین معیارهای حقوقی روشن برای تفکیک تخریب عمدی از حوادث غیرعمدی، نقش مهمی در تقویت امکان پیگرد قانونی این جرایم ایفا می‌کند. (Molaverdi, 2016)

تشخیص نیت (عنصر معنوی)

تشخیص نیت یا عنصر معنوی جرم یکی دیگر از چالش های بزرگ است. برای اثبات نیت در ارتکاب جرم اخلال در زنجیره تولید تا توزیع مواد غذایی، باید نشان داد که متهمان قصد داشتند با اعمال خود باعث گرسنگی و کمبود مواد غذایی شوند. این امر مستلزم دسترسی به اسناد داخلی، مکالمات و دیگر شواهدی است که نیت واقعی را نشان دهد. در پرونده «دادستان علیه رادوان کاراجیچ»، یکی از چالش های اساسی اثبات نیت واقعی وی در استفاده از گرسنگی به عنوان سلاح جنگی بود. (Molaverdi, 2016)

پرونده «دادستان علیه رادوان کاراجیچ» (Prosecutor v. Radovan Karadžić) یکی از مهم ترین پرونده های دیوان بین المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق (ICTY) بود که به جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت و نسل کشی در جریان جنگ بوسنی در دهه ۱۹۹۰ پرداخت. رادوان کاراجیچ، رهبر صرب های بوسنی، به دلیل نقش خود در سازماندهی و هدایت عملیات هایی که منجر به کشتارهای گسترده، شکنجه، تبعید و استفاده از گرسنگی به عنوان سلاح جنگی در شهر سارایوو و همچنین نسل کشی سربینتسا شد، محاکمه گردید. در این پرونده، دادستانی شواهدی مبنی بر دستور مستقیم کاراجیچ برای استفاده از محاصره و قطع مواد غذایی به منظور تضعیف مقاومت مردم ارائه داد. در نهایت، دادگاه در سال ۲۰۱۶ او را به نسل کشی، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت محکوم کرد و به ۴۰ سال حبس محکوم شد.

تفسیر قواعد بین المللی

قواعد بین المللی کیفری از پیچیدگی و گستردگی قابل توجهی برخوردار هستند و تفسیر آنها در موارد خاص، به ویژه در زمینه جنایات های مرتبط با امنیت غذایی، همواره چالش برانگیز است. ماده ۸(۲)(ب) اساسنامه رم به صراحت استفاده از گرسنگی به عنوان سلاح جنگی را ممنوع کرده و تخریب عمدی منابع غذایی غیرنظامیان یا ممانعت از دسترسی آنان به غذا را تحت شمول جنایت جنگی قرار می دهد. با این حال، تعیین اینکه آیا یک عمل خاص مشمول این ماده است یا خیر، نیازمند تحلیل دقیق حقوقی و توجه به شرایط خاص هر پرونده است. به عنوان مثال، ممکن است اقداماتی که منجر به اخلال در زنجیره تولید یا توزیع مواد غذایی می شوند، تحت پوشش عملیات نظامی مشروع یا اهداف دفاعی انجام شده باشند. در چنین شرایطی، قاضی یا محقق حقوقی باید میان اقدامات مشروع و اقدامات عمدی که هدف آن تضعیف غیرنظامیان است، تمایز قائل شود. این امر مستلزم بررسی عوامل مختلفی همچون گستره اثرگذاری عمل، قصد مرتکب، پیامدهای ناشی از اقدام و میزان قابل پیش بینی بودن اثرات آن است. علاوه بر این، تفاوت میان نزاع های بین المللی و داخلی، شرایط محیطی و وضعیت جنگی موجود نیز در تحلیل حقوقی اهمیت دارند. بنابراین، حتی با وجود ممنوعیت صریح در اساسنامه رم، اعمال ماده ۸(۲)(ب) نیازمند استدلال دقیق، تحلیل شواهد و ارزیابی چندبعدی حقوقی است تا امکان پیگیری قانونی اقدامات تخریب منابع غذایی و اخلال عمدی در امنیت غذایی غیرنظامیان فراهم گردد (Zakerhossein, 2021).

شهادت شهود

شهادت شهود نیز با چالش های بسیاری همراه است. شاهدان ممکن است به دلیل ترس از تلافی جویی یا به دلیل تجربه های تروماتیک قادر به شهادت دادن نباشند. در پرونده «تادیچ»، بسیاری از شاهدان از بیان تجربیات خود دچار اضطراب و ترس بودند. (Molaverdi, 2016)

مشکلات همکاری بین المللی

همکاری بین المللی در جمع آوری شواهد و اجرای احکام نیز می تواند مشکل ساز باشد. در بسیاری از موارد، کشورهای مختلف ممکن است به دلایل سیاسی یا امنیتی همکاری لازم را نداشته باشند. این مسئله می تواند فرآیند شناسایی و اثبات جرم را به شدت پیچیده و زمان بر کند.

۷. پیچیدگی‌های حقوقی و تفاوت‌های قوانین داخلی و بین‌المللی

پیچیدگی‌های حقوقی و تفاوت میان قوانین داخلی کشورها و قوانین بین‌المللی نیز مانع از اجرای عدالت در موارد اخلاف در زنجیره مواد غذایی می‌شود.

تفاوت در تعاریف و تفسیر قوانین

یکی از اصلی‌ترین پیچیدگی‌ها، تفاوت در تعاریف و تفسیر قوانین کیفری داخلی و بین‌المللی است. برای نمونه، برخی کشورها ممکن است اقداماتی مانند تخریب مزارع یا محدود کردن دسترسی غیرنظامیان به منابع غذایی را تنها تحت عنوان جرم علیه امنیت ملی یا اموال عمومی تلقی کنند، در حالی که در حقوق بین‌الملل کیفری، این اقدامات می‌تواند تحت شمول ماده ۸ اساسنامه رم به عنوان جنایت جنگی و استفاده از گرسنگی به عنوان سلاح جنگی قرار گیرد. همچنین، نحوه تفسیر عنصر عمد و قصد مرتکب در نظام‌های مختلف متفاوت است؛ در حالی که حقوق بین‌الملل کیفری برای تحقق جنایت جنگی نیازمند وجود قصد یا آگاهی نسبت به پیامدهای اقدامات است، برخی قوانین داخلی ممکن است مسئولیت را بر اساس سهل‌انگاری یا غفلت نیز اعمال کنند. این تفاوت‌ها سبب ایجاد تردید و اختلاف نظر در مورد شمول اقدامات خاص تحت معیارهای بین‌المللی شده و ضرورت ایجاد هماهنگی و تفسیر تطبیقی میان قوانین داخلی و بین‌المللی را برجسته می‌سازد (Esfandiyari & Mirabbasi, 1999).

عدم وجود ظرفیت‌های حقوقی کافی

در بسیاری از موارد، سیستم‌های قضایی داخلی کشورها ممکن است ظرفیت‌های حقوقی کافی برای مقابله با جنایات بین‌المللی نداشته باشند. این مسئله نیازمند تقویت توانمندی‌های حقوقی در سطح ملی و بین‌المللی است. نهادهای بین‌المللی باید برنامه‌های آموزشی و توانمندسازی برای قاضیان، وکلا و سایر افراد مرتبط در سیستم‌های قضایی داخلی فراهم کنند.

۸. راهکارهای حقوقی پیشنهادی

تقویت همکاری‌های بین‌المللی

نهادهای بین‌المللی مانند ICC برای مقابله با جنایات جنگی و اخلاف در زنجیره تولید و توزیع مواد غذایی نیازمند همکاری مؤثر با دولت‌ها و نهادهای داخلی کشورها هستند. تقویت همکاری‌های بین‌المللی و ایجاد چارچوب‌های شفاف برای همکاری‌های بین نهادهای بین‌المللی و سیستم‌های قضایی داخلی می‌تواند به جمع‌آوری شواهد و اجرای احکام کمک کند.

آموزش و توانمندسازی سیستم‌های قضایی داخلی

بسیاری از کشورها ظرفیت‌های لازم برای مقابله با جنایات بین‌المللی را ندارند. تقویت توانمندی‌های حقوقی در سطح ملی و بین‌المللی از طریق برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی برای قاضیان، وکلا و دیگر افراد مرتبط می‌تواند یکی از راهکارهای اساسی باشد.

افزایش نظارت بین‌المللی و ایجاد سازوکارهای پیگیری مستقل

نهادهای بین‌المللی می‌توانند نقش بسیار مؤثری در شناسایی، مستندسازی و پیگیری جنایات مرتبط با اخلاف در زنجیره تولید و توزیع مواد غذایی ایفا کنند. یکی از راهکارهای کلیدی ایجاد نهادهای مستقل و تشکیل تیم‌های تحقیقاتی بین‌المللی است که تخصص لازم برای جمع‌آوری شواهد در مناطق جنگی، بحران‌زده و غیرقابل دسترسی را دارند. این تیم‌ها می‌توانند با استفاده از فناوری‌های نوین، تحلیل تصاویر ماهواره‌ای، بررسی مستندات محلی و مصاحبه با شاهدان، داده‌های قابل اتکا برای اثبات اقدامات عمدی و تأثیر آن‌ها بر جمعیت غیرنظامی فراهم آورند.

علاوه بر جمع آوری شواهد، نهادهای بین المللی باید به طور مستمر بر روند اجرای قواعد و مقررات بین المللی نظارت داشته باشند تا اطمینان حاصل شود که اقدامات تحقیقاتی با استانداردهای حقوقی و انسانی مطابقت دارد و فرصت سوءاستفاده یا تحریف شواهد کاهش یابد. همکاری نزدیک میان این نهادها و دولت ها، سازمان های غیردولتی و محاکم بین المللی، می تواند فرآیند پیگرد مرتکبان را تسریع کند و امکان تعقیب قانونی جرایم را افزایش دهد. به این ترتیب، تقویت ظرفیت های تحقیقاتی و نظارتی نهادهای بین المللی می تواند نقش مهمی در حفاظت از امنیت غذایی غیرنظامیان و جلوگیری از تکرار چنین جنایاتی ایفا کند.

ایجاد سیستم های مؤثر پاسخگویی در سطح ملی

کشورها ملزم به ایجاد سیستم های قضایی و قانونی داخلی مؤثر برای مقابله با جنایات جنگی و اخلال در زنجیره تولید و توزیع مواد غذایی هستند. بدون چارچوب های داخلی مستحکم، امکان پیگرد قانونی مرتکبان و اجرای عدالت به طور جدی محدود خواهد شد. بنابراین، تقویت این چارچوب ها شامل بازنگری و به روزرسانی قوانین کیفری، ارتقاء رویه های قضایی و ایجاد ظرفیت های نظارتی کارآمد است تا کشورها بتوانند جنایات علیه غیرنظامیان را به طور مؤثر شناسایی و پیگیری کنند. علاوه بر این، هماهنگی نزدیک با سیستم های بین المللی از اهمیت بالایی برخوردار است. فقدان چنین هماهنگی ممکن است منجر به ایجاد خلأهای قانونی یا تضاد میان قوانین داخلی و بین المللی شود و مانع تحقق عدالت گردد. به همین دلیل، پاسخگویی ملی و بین المللی باید به صورت مکمل یکدیگر عمل کند تا جمع آوری شواهد معتبر، تعقیب قانونی مرتکبان و پیشگیری از تکرار جرایم به شکل مؤثر انجام گیرد.

ایجاد پیوند مستحکم میان ظرفیت های داخلی و ابزارهای بین المللی، شرط اساسی حفاظت از امنیت غذایی غیرنظامیان در شرایط جنگی و بحران های مسلحانه است.

توسعه قواعد و مقررات بین الملل و شفاف سازی تعاریف قانونی

جامعه بین المللی موظف است به طور مستمر در راستای توسعه و به روزرسانی قواعد و مقررات مربوط به جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت اقدام نماید. این اقدام نه تنها به رفع خلأهای قانونی موجود کمک می کند، بلکه امکان هماهنگی بهتر میان نظام های قضایی داخلی و بین المللی را نیز فراهم می سازد. یکی از راهکارهای کلیدی در این زمینه، شفاف سازی تعاریف حقوقی موجود در اسناد بین المللی، از جمله ماده های اساسنامه رم و کنوانسیون های ژنو است. چنین شفاف سازی ای می تواند از تفسیرهای متناقض و اختلاف نظرهای قضایی جلوگیری کرده و چارچوبی روشن برای شناسایی و پیگرد جرایم ایجاد کند. علاوه بر این، به روزرسانی و توسعه تعاریف قانونی باید شامل مصادیق نوظهور جرایم نیز باشد، از جمله اقدامات عمدی که منجر به اخلال در زنجیره تولید و توزیع مواد غذایی می شوند. با این رویکرد، جامعه بین المللی می تواند تضمین کند که معیارهای حقوقی با تحولات عملی و فناوری های نوین همگام بوده و اجرای عدالت در سطح بین المللی به شکل مؤثر و یکپارچه انجام گیرد.

۹. نتیجه گیری

اخلال عمدی در زنجیره تولید و توزیع مواد غذایی، به ویژه در شرایط جنگی، از جمله شدیدترین جنایات بین المللی محسوب می شود که پیامدهای فاجعه بار آن بر غیرنظامیان و ساختارهای اجتماعی و اقتصادی جوامع غیرقابل انکار است. اقداماتی نظیر استفاده از گرسنگی به عنوان سلاح جنگی و تخریب عمدی زیرساخت های کشاورزی، نقض آشکار حقوق بین الملل بشردوستانه است و می تواند منجر به گرسنگی، سوء تغذیه، بیماری و مرگ گسترده میان غیرنظامیان شود. پیامدهای این جنایات نه تنها انسانی، بلکه اقتصادی و اجتماعی نیز هستند و بر ثبات

و امنیت جوامع آسیب جدی وارد می‌کنند. تحلیل پرونده‌های دیوان بین‌المللی کیفری نشان می‌دهد که این جرایم به‌صورت سیستماتیک در مناطق درگیری به کار گرفته شده‌اند. در پرونده عمر البشیر، تخریب مزارع و انبارهای مواد غذایی در دارفور نمونه‌ای از کاربرد عمدی غذا به‌عنوان ابزار فشار علیه غیرنظامیان است. پرونده توماس لوبانگا و ژان-پیر بمبا گومبو نیز نمونه‌هایی از سوءاستفاده از منابع انسانی و اقتصادی در جریان جنگ داخلی کنگو و تأثیرات آن بر امنیت غذایی جمعیت غیرنظامی را نشان می‌دهند. علاوه بر دیوان بین‌المللی کیفری، دادگاه‌های بین‌المللی رواندا و یوگسلاوی نیز مواردی را ثبت کرده‌اند که در آن تخریب زیرساخت‌های غذایی و محرومیت از منابع حیاتی به‌صورت سیستماتیک علیه غیرنظامیان به کار گرفته شده است و تأکید می‌کنند که چنین اقدامات عمدی، مصداق بارز جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت است.

با این حال، پیگیری قضایی این جرایم با چالش‌های پیچیده‌ای مواجه است. جمع‌آوری شواهد مادی در مناطق جنگ‌زده یا بحران‌زده دشوار است و مدارک تخریب کشاورزی و زیرساخت‌ها ممکن است با بلایای طبیعی یا حوادث غیرعمدی اشتباه گرفته شوند. تشخیص نیت عاملان، عنصر عمد و قصد مرتکب، همچنین تفاوت در تعاریف و تفسیر قوانین داخلی و بین‌المللی، پیچیدگی‌های حقوقی قابل توجهی ایجاد می‌کند. ملاحظات سیاسی، فقدان همکاری برخی کشورها با نهادهای بین‌المللی و محدودیت‌های اجرایی نیز از دیگر موانع مهم در تعقیب این جرایم هستند.

راهکارهای پیشنهادی برای مقابله با این جرایم شامل تقویت همکاری‌های بین‌المللی، توانمندسازی سیستم‌های قضایی داخلی، افزایش نظارت بر اجرای قواعد و مقررات بین‌المللی و ایجاد نهادهای مستقل تحقیق و جمع‌آوری شواهد است. توسعه و شفاف‌سازی تعاریف حقوقی در اساسنامه رم و کنوانسیون‌های ژنو می‌تواند از سوءتفسیرهای قانونی جلوگیری کرده و معیارهای روشنی برای پیگرد جرایم فراهم کند. در نهایت، جامعه بین‌المللی باید با تعهد مستمر و همکاری فعال، حفاظت از حقوق بشر و جلوگیری از فجایع بشری را اولویت قرار دهد. مقابله با اخلاف عمدی در زنجیره تولید و توزیع مواد غذایی، نه تنها به حفظ کرامت انسانی و امنیت غذایی کمک می‌کند، بلکه ثبات، صلح و امنیت بین‌المللی را نیز تضمین می‌نماید و از گسترش اثرات فاجعه‌بار این جنایات در سطح جهانی جلوگیری می‌کند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

Food security constitutes a fundamental dimension of human dignity, public health, social stability, and sustainable development, and it depends on the continuous functioning of the food production-to-distribution chain, which encompasses agricultural and livestock production, processing, packaging, storage, transportation, distribution, and final access by consumers. Any deliberate disruption at one or more of these stages may generate consequences that exceed ordinary economic loss and may threaten the survival, health, and security of civilian populations. International legal scholarship increasingly recognizes that access to adequate, safe, and nutritious food is closely connected to the protection of fundamental human rights and that interference with food systems

can have particularly destructive consequences in situations of armed conflict, political instability, economic coercion, and humanitarian crisis (Ghari Seyed Fatemi, 2010; Tayebi et al., 2024; Ziegler, 2013). The destruction of agricultural infrastructure, obstruction of humanitarian relief, restriction of food transportation, contamination of food supplies, destruction of water resources, and deliberate creation of conditions of famine can produce widespread malnutrition, disease, forced displacement, poverty, social unrest, and long-term institutional instability. These consequences demonstrate that food security cannot be understood solely as an economic or developmental concern; it is also a legal interest requiring protection under international human rights law, international humanitarian law, and, under certain circumstances, international criminal law. The central question of this study is whether intentional disruption of the food production-to-distribution chain may be characterized as an international crime and, if so, which legal criteria can be used to identify, attribute, and prosecute criminal responsibility. The study proceeds from the hypothesis that targeted, systematic, or widespread interference with the food chain, when accompanied by the requisite criminal intent and resulting in serious deprivation, starvation, severe harm, or threats to civilian survival, may fall within existing categories of war crimes or crimes against humanity, even though international instruments do not yet recognize an autonomous offense formally designated as a “crime against food security” (Arik-Adkanian & Khosravi, 2018; Esfandiyari & Mirabbasi, 2014).

The study employs a descriptive-analytical legal method based on the interpretation of international criminal law, international humanitarian law, human rights principles, and selected judicial practices relating to armed conflict and the deprivation of essential resources. Particular attention is given to the Rome Statute framework, the legal prohibition against the use of starvation of civilians as a method of warfare, the protection of objects indispensable to civilian survival, and the broader relationship between food deprivation and crimes against humanity. From a normative perspective, food security is inseparable from the right to life, health, human dignity, and access to basic necessities, and therefore deliberate deprivation of food may implicate several overlapping branches of international law (Zakerian, 2013; Ziegler, 2013). International humanitarian law specifically provides heightened protection for civilians during armed conflict, and the destruction or denial of food supplies may become legally relevant when it is intentionally directed against civilians or used as a method of warfare (Esfandiyari & Mirabbasi, 1999, 2014). The study also distinguishes between ordinary failures in food governance and conduct that may attract international criminal responsibility. Not every shortage, price increase, logistical failure, crop loss, or interruption of supply is criminal. Liability depends on the presence of legally significant factors such as the context of armed conflict, the nature and scale of the act, the civilian character of the affected population, the foreseeability and seriousness of consequences, the existence of a nexus between the conduct and the conflict, and, most importantly, the mental element required for the relevant international crime. Accordingly, the analysis seeks to identify the threshold at which interference with the food chain ceases to be a matter of policy failure or economic mismanagement and becomes conduct capable of satisfying the constituent elements of an international offense (Molaverdi, 2016; Tayebi et al., 2024). The findings indicate that intentional disruption of the food chain may constitute a war crime when the conduct occurs in the context of an armed conflict and satisfies the legal, material, and mental elements required under international criminal law. The legal element derives primarily from rules protecting civilians and objects indispensable to their survival, while the material element may consist of acts such as destroying farms, livestock, irrigation systems, food warehouses, processing facilities, transportation networks, water sources, or humanitarian supply routes. The mental

element requires proof that the perpetrator acted intentionally and with the requisite awareness regarding the consequences of the conduct. This distinction is particularly important because destruction resulting from negligence, environmental disaster, military accident, poor administration, or generalized economic collapse does not automatically amount to an international crime. In the context of armed conflict, however, deliberate deprivation of food may become a particularly serious form of coercion when it is designed to weaken, punish, displace, or destroy civilian populations (Ghari Seyed Fatemi, 2010; Molaverdi, 2016). The study further finds that deliberate food deprivation may, depending on the circumstances, intersect with crimes against humanity where it forms part of a widespread or systematic attack directed against a civilian population. Economic measures and coercive practices that knowingly impose severe deprivation may also require examination through the conceptual framework of crimes against humanity when the relevant contextual and mental requirements are satisfied (Zakerhossein, 2021). Consequently, the criminal characterization of food-chain disruption must be based on a contextual analysis rather than on the harmful outcome alone. The gravity of starvation or food insecurity is legally significant, but international criminal responsibility also requires a demonstrable connection between the prohibited conduct, the perpetrator's state of mind, and the specific legal category under which prosecution is pursued.

The analysis of international criminal proceedings further reveals that cases concerning Sudan, the Democratic Republic of the Congo, and the Central African Republic illustrate the broader relevance of attacks on civilian survival systems, although food-chain disruption has not always been separately prosecuted as an autonomous offense. The Darfur situation, particularly proceedings involving Omar al-Bashir, demonstrates the legal importance of allegations involving the destruction of civilian resources, forced displacement, deprivation, and the weakening of populations through attacks on the conditions necessary for survival (Zamani, 2008). International criminal proceedings also demonstrate the difficulty of attributing individual responsibility within complex military and political structures. The jurisprudence and scholarship surrounding cases before the International Criminal Court emphasize the importance of proving the relationship between a specific accused person, the underlying acts, the broader criminal policy or campaign, and the required mental element (Mirmohammadsadeghi & Rasoul, 2012; Salimi, 2021). The analysis therefore identifies significant evidentiary obstacles to prosecuting food-related international crimes. Physical evidence may be destroyed during hostilities, agricultural losses may be attributed to environmental or economic causes, witnesses may be displaced or traumatized, military records may be inaccessible, and causal connections between an attack on infrastructure and subsequent famine may be difficult to establish. Moreover, international prosecutions frequently require cooperation from states that may be unwilling or politically unable to provide documents, arrest suspects, protect witnesses, or facilitate access to affected areas. These difficulties are compounded by differences between national criminal systems and international criminal law regarding definitions of intent, causation, command responsibility, evidentiary thresholds, and the legal characterization of attacks on civilian resources (Molaverdi, 2016; Salimi, 2021). As a result, the absence of an explicit and comprehensive legal category addressing intentional attacks on food security may contribute to fragmented and inconsistent legal responses.

On the basis of these findings, the study argues that international criminal law would benefit from greater conceptual and normative clarity concerning deliberate interference with food security. Existing legal rules already provide important avenues for prosecution, especially through war crimes and crimes against humanity, but their application to complex disruptions of production,

processing, transportation, storage, and distribution remains uneven. Greater clarity could be achieved by developing interpretive guidelines for identifying conduct that intentionally undermines civilian food systems, defining indicators of seriousness and scale, specifying evidentiary standards for proving the mental element, and clarifying the circumstances in which destruction of food-related infrastructure constitutes an attack on objects indispensable to civilian survival (Esfandiyari & Mirabbasi, 2014; Tayebi et al., 2024). The research also highlights the need for stronger international cooperation in evidence collection, witness protection, forensic documentation, satellite analysis, humanitarian data sharing, and coordination between international courts and domestic judicial institutions. National legal systems should be strengthened so that they can investigate and prosecute serious violations without relying exclusively on international tribunals, while international institutions should support capacity building, specialized training, and harmonization of legal standards (Molaverdi, 2016). The establishment of independent investigative mechanisms capable of documenting attacks on food systems in real time may significantly improve accountability. In addition, the right-to-food framework can assist criminal-law analysis by demonstrating the centrality of food access to human dignity, public health, and civilian survival (Ghari Seyed Fatemi, 2010; Ziegler, 2013). A more coherent legal approach would therefore connect humanitarian protections, human rights obligations, and international criminal accountability while preserving the strict requirements of individual criminal responsibility.

In conclusion, deliberate disruption of the food production-to-distribution chain can, under defined legal conditions, transcend the sphere of economic misconduct or humanitarian harm and enter the domain of international criminal responsibility. The decisive issue is not simply whether food insecurity has occurred, but whether identifiable actors intentionally engaged in prohibited conduct, within the relevant legal context, in a manner that seriously threatened civilian life, health, or survival. The study demonstrates that international criminal law already contains important legal foundations for addressing such conduct through the categories of war crimes and crimes against humanity, yet significant conceptual, evidentiary, and institutional gaps remain. A clearer legal framework for addressing intentional attacks on food systems would enhance consistency in prosecution, facilitate the identification of criminal responsibility, and strengthen the protection of civilian populations during armed conflicts and other severe crises. Effective accountability also depends on coordination between international and domestic courts, robust mechanisms for evidence preservation, stronger investigative capacity, and closer cooperation among states, humanitarian organizations, and international institutions. Protecting the food chain is therefore not merely a question of economic resilience or humanitarian assistance; it is directly connected to the protection of human dignity, the preservation of civilian life, and the maintenance of international peace and security. Strengthening accountability for deliberate attacks on food production and distribution systems can consequently contribute both to the prevention of mass suffering and to the progressive development of international criminal law.

References

- Arik-Adkanian, A., & Khosravi, M. (2018). The Status of Food Security from the Perspective of Transitional Justice. *Quarterly Journal of International Studies*, 15(2), 139-155.
- Esfandiyari, C., & Mirabbasi, S. B. (1999). The Right of Access to Food in Armed Conflicts from the Perspective of International Law Standards. *Judiciary Legal Journal*(88), 7-36.
- Esfandiyari, C., & Mirabbasi, S. B. (2014). The Right of Access to Food in Armed Conflicts from the Perspective of International Law Standards. *Judiciary Law Journal*(88), 26.
- Ghari Seyed Fatemi, S. M. (2010). *Human Rights in the Contemporary World: Analytical Essays on Rights and Freedoms*. Shahr-e Danesh Institute for Legal Studies and Research.

- Mirmohammadsadeghi, H., & Rasoul, A. (2012). Jurisdiction of the International Criminal Court over Crimes against the Administration of Criminal Justice: A Case Study of the Thomas Lubanga Case. *Judicial Legal Perspectives*, 17(57), 181-204.
- Molaverdi, S. (2016). The Impact of International Criminal Law and International Criminal Courts on Human Rights and Humanitarian Law. *Quarterly Journal of International Studies*, 13(1), 119-126.
- Salimi, S. (2021). Crimes against the Administration of Justice in the Jurisprudence of the International Criminal Court. *Police International Studies*, 12(45), 10-33.
- Tayebi, S., Movahedian, H., & Mohammadkarimi, A. (2024). A Legal Analysis of Food Security and Climate Change through a Comparative Approach to International Law and Islamic Law. *Comparative Studies of Islamic Countries Law*, 2(1), 63-79.
- World Health Organization. (2019). *Food Safety and Public Health: A Global Overview*.
- Zakerhossein, M. H. (2021). Prosecution of Economic Sanctions as Crimes against Humanity. *Public Law Studies*(2), 575-594.
- Zakerian, M. (2013). *All Human Rights for All*. Mizan Publications.
- Zamani, S. G. (2008). The International Criminal Court and the Issuance of an Arrest Warrant for Omar al-Bashir. *Legal Research*, 7(14), 13-47.
- Ziegler, J. (2013). The Right to Food. <https://www.ohchr.org/en/events/2013/workshop-impact-unilateral-coercive-measures-enjoyment-human-rights-geneva-5-april-2013>